

گزارش روز

سی‌امین جلسه دادرسی متهمان پرونده بانک سرمایه

اخذ آخرین دفاعیات متهم خادم

● سی‌امین جلسه دادرسی متهمان پرونده بانک سرمایه به ریاست قاضی مسعودی‌مقام به طور علنی برگزار شد.

به گزارش میزان، سی‌امین جلسه دادرسی متهمان پرونده بانک سرمایه با رسیدگی به اتهام هفت نفر از متهمان این پرونده دیروز در شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اخلاکلگران و مفسدین اقتصادی به ریاست قاضی مسعودی‌مقام به طور علنی برگزار شد. متهم خادم در ابتدای آخرین دفاعیات خود بیان کرد: بحث اولی که وجود دارد این است که تاریخ وقوع موارد اتهامی قبل از مصوبه بوده است و بروز تخلف و موارد اتهامی از ابلاغ تا اجرا از بخش‌نامه‌های بانک است که تحویل داده شد.

این متهم با طرح این ادعا که هیچ‌گونه انگیزه و تبانی با هیچ فرد و گروهی نداشته‌ام، افزود: در بسیاری از موارد با زیاده‌خواهی‌های خیلی از افراد برخورد کردم، اما در بخش نظارت در نظام بانکی کشور و دیگر سازمان‌ها شرح وظیفه هر مدیر به تفصیل بیان شده است.

وی در ادامه دفاعیات خود عنوان کرد: در بانک انواع مصوبه وجود دارد و صرفا مصوبات اعتباری نیست، زمانی که مصوبات از ارکان مربوطه خود از زمان ابلاغ قابل اجرا می‌شود این بخش نظارتی بانک است که باید بررسی کند.

متهم خادم درخصوص ملک زاگرس مدعی شد: هیئت مدیره هیچ مصوبه‌ای برای خرید ملک زاگرس ندارد و قبلا این ملک توسط شرکت خریداری شده بود و ما در نامه نوشتیم که خرید این ملک به صرفه و صلاح بانک نیست. در حالی که قبلا توسط شرکت خریداری شده بود.

متهم در ادامه دفاعیات خود و درخصوص اوراق آرمان بیان کرد: تهاات این اوراق در دوره مدیریت قبلی با بدهی شرکت پایاسازان اربت بوده است و یک ماه پیش از اینکه مصوبه‌ای بدهیم شرکت توسعه ساختمان رأسا اقدام به ارزیابی این ملک در آبتشار سوم اسفهان می‌کند که آقای باقری از وضعیت ملک اطلاع داشت و رد کرد.

وی افزود: درخصوص اوراق آرمان دو مصوبه داشتیم؛ اگر بر اساس مصوبه ۶/۲۹ باشد، اقدام به ارزیابی می‌کنند و رأسا اقدام به تهاات این املاک می‌کنند که در این خصوص نامه‌ای خدمت مدیرعامل وقت نوشته می‌شود که هیچ وقت در هیئت مدیره مطرح نشد و بعد از اطلاع از موضوع معاونت حقوقی و امور ساختمان بانک را خواستم که در نهایت منجر به صدور مصوبه‌ای جهت ابطال املاک شد.

این متهم افزود: شرکت نامه‌ای را به تاریخ ۹۶/۱/۲۱ می‌زند که در بند سه، چهار، پنج و هفت این نامه به صراحت بیان می‌کند که حسب دستور مدیرعامل وقت خریداری شده و موافقت وی را داشته است، اما همین نامه دو روز بعد اصلاح می‌شود و در بندهایی که کلمه مدیرعامل نوشته شده بود عنوان هیئت مدیره نوشته می‌شود و در بانک به ثبت می‌رسد.

متهم خادم بیان کرد: در کیفرخواست دادسرا نیز به این نتیجه رسیده است و در صفحه هشت نقش افرادی را که در تهاات دخیل بودند بیان کرده است.

وی در ادامه و درخصوص شرکت افراطوس گفت: این شرکت درخواستی را از بانک داشت که در ارکان اعتباری و هیئت مدیره مطرح می‌شود، اما از اختیارات خود شعبه استفاده می‌شود و در همان جا تصویب و اجرا می‌شود. متهم خادم گفت: شرکت راه و ساختمان مینا وامی را گرفته بود و در آرای آن دومیلیاردو ۵۰۰ میلیون تومان وثیقه نگه داشته بودند که در ادامه شرکت درخواست آزادسازی مبلغ را داشته است. هیئت مدیره مصوب می‌کند که این مبلغ در مقابل ملکی در رودسر آزاد شود، اما شرکت در شعبه درخواستی را داده بود که از اختیارات خود شعبه فرصت یک‌ماهه‌ای می‌دهند که وثیقه بیاورد و پول را آزاد کند.

این متهم در ادامه و درخصوص شرکت هواپیمایی سهنداسیا نیز گفت: این شرکت درخواستی برای خرید دو هواپیمای می‌شود که در ارکان اعتباری بانک تصویب می‌شود تا علاوه بر ترهین هواپیمای وثیقه ارزنده غیرمنقول نیز گرفته شود، اما در ابلاغ مصوبه در قسمتی که اخذ وثیقه ارزنده غیرمنقول آمده بود به شعبه ابلاغ نمی‌شود با این حال شعبه سه هواپما را ترهین می‌کند.

وی در ادامه و درخصوص شرکت سویل‌سازه پارمید بیان کرد: شرکت سویل‌سازه پارمیدا مربوط به اولین روزهای کاری من در بانک بود که در هیئت مدیره مطرح شد و نکته قابل توجه اینجاست که ۱۱ روز پیش از ابلاغ مصوبه این تسهیلات پرداخت شده و درخواست شرکت به شعبه بوده است.

ادامه از صفحه اول

وظیفه‌اش این است که هرکس را که می‌داند خلاف کرده بدون استتبا با او برخورد کند... اینکه آدم‌ها، صندوقچه اسرار فساد دیگران شوند که هنر نیست... اینکه گفته می‌شود سینه من صندوقچه اسرار است، یعنی می‌دانم چه کسانی دزدی و سوءاستفاده کرده‌اند و دنبال‌شان نمی‌روم. قوه قضائیه نباید صندوقچه اسرار باشد». او همچنین با نقد اینکه به افراد اتهام فساد می‌زنیم، اما تلاشی برای شفافیت موضوع نمی‌کنیم نیز می‌گوید: «(این شیوه برخورد) یعنی قبول داریم یک آدم با هاله فساد در کشور مان زندگی می‌کند. این شایعات و ترور شخصیت‌ها باید از بین برود، همچنین اگر اغماض در کار است، از بین برود؛ یعنی به پرونده همه عادلانه رسیدگی کنند. باید مشخص شود افراد چه کرده‌اند و مجازات شوند یا برائتشان را اعلام کنند». این سیاست‌مدار و فعال اقتصادی همچنین در ادامه صحبت‌هایش از شیوه برخورد جدید در قوه قضائیه با فساد ابراز امیدواری کرده و می‌افزاید: «اغماض و صندوقچه اسرار درست‌کردن باعث فساد روزافزون می‌شود. امیدوارم مبارزه با فسادی که آقای رئیس در پیش گرفته، ادامه پیدا یابد و صندوقچه‌های اسرار را هم بکشایند و به مشکلات آنها هم رسیدگی کنند».

۷۹ سال خصوصی سازی در ایران را از بانک‌ها شروع کردیم. آیا خصوصی سازی در بانک را موفقیت آمیز می‌دانید یا نه؟

متأسفانه در ایران سیستم بانکداری نداریم. قوانین بانکداری ما که به نام بانکداری اسلامی است، در حقیقت مقررات قراردادی است که بانک‌ها با افراد در گرفتن پول یا پرداخت پول دارند. تعریف اصلی بانک این است که مردم پولشان را اتجا می‌گذارند، بانک به افراد وام و بهره می‌دهد و از قبل این تبادل ممکن است سودی هم حاصل کند؛ ما در قانون بانکداری اسلامی بانک‌های ما به مؤسسات بنگاه‌دار تبدیل شده‌اند؛ هرچند آقای روحانی گفته‌اند این‌طور نیست. وقتی کسی پول می‌گذارد، برای این است که بانک‌ها با آن سرمایه‌گذاری کنند و سود بدهند، اما اینجا دوباره طفره رفته‌اند و به‌جای پرداخت سود واقعی سرمایه‌گذاری، سود علی‌الحساب می‌دهند، چون می‌خواهند شبیه بانک‌ها شوند. بانک‌های ما در واقع «شترگولینگ» هستند. از یک طرف موظف‌اند سرمایه‌گذاری کنند و در حقیقت بنگاهداری هم جزء همین سرمایه‌گذاری است. درباره خصوصی‌سازی به‌جز بانک‌های اولیه خصوصی، اکثر کسانی که دنبال این کار هستند، هدفشان این بود که سرمایه‌گذاران اصلی آنها می‌خواستند متفجع شوند. بانک‌ها طبق قانون می‌توانستند با ۵۰ میلیارد تومان ثبت شوند. وقتی بانکی این مبلغ را می‌پردازد و ثبت می‌شود، ممکن است به‌طور نمونه ۲۰ هزار میلیارد تومان پول مردم در بانک ذخیره شود و همان سرمایه‌گذاران از پول مردم به‌صورت‌های غیرودیعه‌ای و... برداشت کنند. خصوصی‌سازی بانک در کشور ما شاید به‌جز چند مورد معدود، نتیجه خاصی نداشته باشد، به این دلیل که هم قانون بانکداری ما درست نیست و هم کسانی وارد این سیستم شده‌اند که فقط به فکر انتفاع خود بوده‌اند.

به تعبیری از دیدگاه شما با لشگرد خصوصی سازی بانک‌ها، فساد در این زمینه ایجاد شده است؟

در این چند سال، مؤسساتی به نام قرض‌الحسنه تشکیل شده‌اند، همه این مؤسسات پولی و مالی ربوی هستند، هم بهره سنگینی به سپرده‌گذاران می‌دهند و هم بهره سنگینی در صورت وام‌دادن می‌گرفتند. باید به ماهیت موضوعات توجه کنیم، نه فقط به شکل قضیه. آقای روحانی برای یکی، دو مؤسسه حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان را به سپرده‌گذاران پرداخت کرد. سپرده‌گذاران وقتی بهره سنگین می‌گرفتند، خوشحال بودند و وقتی پولشان به باد رفت، تجمع کردند. این همان ماهیت فسادی است که شکل گرفته است.

خصوصی سازی در عرصه صنعت راه و راه‌آهن داشتیم. از صنایع فلزی، ماشین سازی‌ها و هیکو که زمین خورد تا آذراب و هفت‌تپه، به نظرتان مهم‌ترین بخشی که سبب ایجاد فساد از طریق خصوصی سازی شد، کدام بخش بود؟

بخشی از خصوصی‌سازی‌ها خصولتی سازی بود. دولت چند سیاست خوبی را برای خصوصی‌سازی اتخاذ کرد. این کشور گفته بود احتیاج به سرمایه‌گذاری داریم. تسهیلات لازم برای سرمایه‌گذاری در اختیار کسانی می‌گذاریم که کار جدیدی ایجاد کنند. به جای اینکه مدیریت کارخانه‌های بزرگی مثل هیکو، آذراب، کشت و صنعت هفت‌تپه یا مغان و ماموت را اصلاح کنیم، فکر کردیم اگر آنها را به افرادی واگذار کنیم که صلاحیت یا عدم صلاحیتشان محرز شده یا نشده، مسئله‌مان حل می‌شود. درحالی‌که کشور ما احتیاج به شغل جدید دارد، باید سعی می‌کردیم به کسانی که می‌خواهند صنعت را اداره کنند با حمایت دولت، اجازه سرمایه‌گذاری می‌دادیم. نمونه‌های موفق در این زمینه کم نیستند. اینکه یک کارخانه حاضر و آماده را کسی قسطی بخرد، معلوم است نیت غیرصنعتی دارد. غیرصنعتگر هم نمی‌تواند کار صنعتی انجام دهد، روش خصوصی‌سازی و واگذاری‌مان درست نبود. باید به کسانی که علاقه به توسعه و اداره و ایجاد صنعت داشتند کمک می‌کردیم که صنعت به نام و مسئولیت خودشان و با فناوری خودشان تشکیل دهند.

هاشمی طبّا در گفت‌وگو با «شرق»، مسامحه درباره فساد نزدیکان مسؤلان را نقد می‌کند

«صندوقچه اسرار» را باز کنید

اغماض در برخورد با فساد، سبب گسترش آن می‌شود



هاشمی طبّا

در گفت‌وگو با «شرق»

در گفت‌وگو با «شرق»

این خصوصی‌سازی‌ها تا چه اندازه، ایجاد فساد کرده است؟
اینجا اول باید به این پرسش پاسخ دهیم که «فساد چیست؟» گاهی فساد را مختص می‌کنیم به فساد مالی اما باید بدانیم فساد فقط مالی نیست. فساد مالی یکی از اشکال فسادی است که شاید خطراتش کمتر از بقیه باشد. در قرآن ۵۰ بار کلمه فساد آمده است. مثلا ازبین‌بردن کشاورزی فساد نامیده شده. اگر کسی زمینی را که کشاورزی می‌شود از بین ببرد، فساد است. فساد مالی که ما از آن صحبت می‌کنیم، ضمن اینکه حتما باید پیشگیری شود و عوامل فساد از بین بروند، به قول جامعه‌شناسان برخورد و مبارزه با افراد معطل (فاسد) به شمار می‌رود نه با اصل فساد. فرض کنید الان بی‌کاری در استان‌های ما خیلی زیاد شده و افراد به دنبال شغل به تهران می‌آیند و پیدا نمی‌کنند. خب فاسد می‌شوند و دزدی می‌کنند. علت این اتفاقات چیز دیگری است. فساد هم رده‌های مختلف دارد. ممکن است در یک اداره، از آبدارچی و کارمند گرفته تا مدیر تصمیم‌گیر از شما چیزی بخواهند اما کل این فساد مالی در مقایسه با فسادی که در کشور ما ایجاد شده، بسیار ناچیز است. ما زمین‌هایمان را فاسد کرده‌ایم، در خیلی از استان‌ها زمین‌های کشاورزی و دشت‌ها نشست کرده. خسارت این اتفاق چقدر است؟ رودخانه‌ها آلوده شده و آب‌های زیرزمینی از بین رفته. یک سوم جنگل‌هایمان از بین رفته. ارزش جنگل‌ها چقدر بوده؟ فساد فی‌الارض همین است. آقای عراقچی که الان محاکمه‌اش می‌کنند، کاری کرده که در ۴۰ سال گذشته همیشه بانک مرکزی انجام می‌داده، یعنی ورود ارز و سکه به بازار آزاد. تمام منابع ارزی کشور را به خاطر اینکه دولت پول می‌خواسته و همه اطرافیان اعم از کارمندان و سازمان‌های مختلف که الان به دولت فحش می‌دهند، نیازمند پول بوده‌اند و دولت باید یارانه پرداخت می‌کرد، در بازار آزاد فروخته شدند. ارزفروشی در بازار، اصل فساد است. ارز را می‌فروشیم که بخرند، قاچاق بیاورند و به کشورهای دیگر سری می‌زنند. ۳۰ سال است ارز را در بازار آزاد فروخته‌ایم، ۴۰ سال است مردم طلا و سکه خریده‌اند و حالا می‌گویم چرا یک نفر ۳۷ هزار سکه خریده؟ مقام معظم رهبری گفتند شما چرا فروخته‌اید؟ اینها فروخته‌اند، ممنوعیتی در کار بود و برخی هم خریده‌اند. وقتی بودجه دولت این همه متورم می‌شود و دولت برای تأمین مخارج، مجبور به فروش ارز می‌شود، عامل فساد است. فساد این نیست که چهار مدیر فساد کنند، یقینا باید با فساد مبارزه کرد. آقای املی‌لاریجانی در نامه‌شان (که بعضی می‌گویند نامه ایشان نیست) می‌گویند سینه من صندوقچه سوءاستفاده‌هایی است که فرزندان و بستگان مدیران سوءاستفاده می‌کنند. اما قوه قضائیه این است که صندوقچه اسرار درست کند؟ وظیفه‌اش این است هرکس که می‌داند خلاف کرده بدون استتبا با آن برخورد کند. به قول سعدی «بنیاد ظلم در جهان اول اندکی بوده است، هرکه آمد براو مزیدی کرد تا بدین غایت رسید». آقای رئیسی به خوبی با فساد برخورد و مبارزه می‌کنند، اما یادمان باشد، مجلس، دولت و مردم هم نباید فساد کنند و باید با فساد و مملکت‌فروشی مبارزه کنند. وقتی نعمتان را می‌فروشیم یعنی ثروت کشورمان را هدر می‌دهیم و بعد هم می‌گویم چاره‌ای نیست. آب‌های زیرزمینی را می‌کشیم، زمین‌ها فرو می‌روند، جنگل‌هایمان را غارت می‌کنند و بعد می‌گویم چاره‌ای نیست. اینکه حکمرانی نشد، همه اینها فساد است و باید با همه‌شان مبارزه شود. این‌طور نباشد که فکر کنیم چند نفر دزدی کرده‌اند، دستگیر شوند، فساد تمام می‌شود. فساد در کشور ما در جریان است و برخوردکردن با فساد شجاعت می‌خواهد.

فرض کنید کاسی دزدی می‌کند، این پول در چرخه اقتصاد چاره‌ای نمی‌ماند، اما وقتی جنگل‌ها را از بین می‌برید اقتصاد و چرخه طبیعت کشور را از بین برده‌اید. آدم فاسد هم که دزدی کرده باشد، نمی‌تواند پولش را به آن دنیا ببرد. فساد خیلی گسترده است. ۵۰ آیه در قرآن در مورد فساد هست. در یک آیه می‌گوید اگر کشاورزی را از بین ببرید فساد کرده‌اید. دروغ‌گفتن هم فساد است. پس مبارزه با فساد مبارزه جعمی در ابعاد مختلف است. اینکه آدم‌ها، صندوقچه اسرار فساد دیگران شوند که هنر نیست. یک دزد معمولی را می‌گیرند و بعضا دستش را قطع می‌کنند. این صندوقچه اگر باز شود مشخص می‌شود چه کسانی در آن دخیل هستند. متأسفانه مبارزه‌نگردن با فساد باعث می‌شود به قول سعدی یا این عیان ببرد.

اگر به صورت موردی در فساد مالی بپردازیم،

مسامحه درباره فساد نزدیکان مسؤلان را نقد می‌کند

وزیر هزار میلیارد تومان سوءاستفاده کرده، خب قوه قضائیه باید اعلام کند این فرد سالم است یا نه. این حرف‌ها هست، آن آدم هم هست؛ یعنی قبول داریم یک آدم با هاله فساد در کشورمان زندگی می‌کند. می‌توانند این هاله را پاک کنند یا به تخلفات او رسیدگی کنند. این شایعه‌ها و ترور شخصیت‌ها باید از بین برود و اگر اغماض در کار است، از بین برود؛ یعنی به همه عادلانه رسیدگی کنند. اغماض و صندوقچه اسرار درست‌کردن باعث فساد روزافزون می‌شود. باید مشخص شود افراد چه کرده‌اند و مجازات شوند یا برائتشان را اعلام کنند. امیدوارم مبارزه با فسادی که آقای رئیسی در پیش گرفته، ادامه پیدا کند و صندوقچه‌های اسرار را هم بکشایند و به مشکلات آنها هم رسیدگی کنند.

۷۷ به نظرتان اگر اقتصاد دست دولت می‌ماند و خصوصی نمی‌شد، کمتر با بحث فساد درگیر بودیم یا برعکس بود؟

اولا خیلی هم خصوصی‌سازی به آن معنا نکردیم. کشور ما خیلی به فعالیت بخش خصوصی نیاز دارد؛ اما نیاز داریم که فعالیت‌های جدید انجام شود. برخی فعالان اقتصادی که فعالیت‌های جدید را ایجاد کرده‌اند، اکنون دل پردردی از کار اداری مملکت دارند. هرکدام می‌گویند اگر این مشکلات نبود، بسیار بیشتر کار می‌کردیم. وقتی کسی بخواهد فعالیت کند، باید کمکش کرد تا کارآفرینی کند. سن برای هپکو خیلی زحمت کشیدیم و اکنون که مضمحل شده، دلم برایش می‌سوزد. می‌گویند کسی ۷۰۰ میلیارد تومان روی شرکت وام گرفته و کار دیگری کرده است. نمی‌دانیم چقدر از این گفته‌ها درست است؛ اما همه اینها نشان‌دهنده آن است که اشتباه خصوصی‌سازی کرده‌ایم. کشت و صنعت هفت‌تپه خطور می‌شود خصوصی‌سازی شود؟ یک مجموعه بسیار بزرگ است که هر نیروی خصوصی به این سادگی نمی‌تواند آنها را اداره کند. ممکن است که کار کشت نیشکر، استفاده از رودخانه و پساب، در اصل غلط بوده باشد؛ زیرا ایجاد آلودگی می‌کند؛ اما حالا که ایجاد شده است، مدیریت کشت و صنعت کارون یا هفت‌تپه با توجه به شرایط اجتماعی آن مناطق از عهده هر بخش خصوصی خارج است. کشت و صنعت کارون دائم مسائل اجتماعی و حکومتی دارد و باید با استانداری طرف شود و نیروهای فصلی و غیرفصلی دارد و کار سنگینی است. به چه دلیلی گفته‌اند اتجا را واگذار می‌کنیم؟ کسی که کار به او واگذار شده، به چه نیتی آمده؟ نه نظر من کسی که می‌گوید می‌خواهم اینجا را اداره کنم یا باید خیلی غافل باشد، یا عالم قبل از این کار کرده‌اند. مثلا بانکی آمده به شرط کرده است. پس نهاد ناظر وجود دارد. در بخش‌های مختلف می‌توانند رسیدگی کنند؛ اما چنین اتفاقی نمی‌افتد. درحالی‌که به عهده من، این نظارت و رسیدگی باید سال به سال باشد. اگر بخش‌های ناظر، دقیق رسیدگی می‌کرد، کسی نمی‌تواند این‌گونه تخلف کند؛ اما این مراکز مسئولیت خود را فراموش کرده‌اند و همه چیز به قوه قضائیه سپرده می‌شود. مقامات قضایی نیز از برخی مرادوات تجاری مطلع نیستند و آن مرادوات را خطا اعلام می‌کنند.

۷۶ یعنی چه؟

مثلا همین داستان ارزفروشی. ۴۰ سال است در ایران ارز فروخته می‌شود؛ بانک مرکزی ارز را به دلال می‌دهد و او می‌فروشد. اگر این کار خلاف است، پس باید همه کسانی که در ۴۰ سال گذشته این کار را انجام داده‌اند، محاکمه شوند. در مکانیسم‌هایی که در کارهای بازرگانی و شرکت‌های مختلف وجود دارند، باید دقت شود. با برای مثال بانک‌ها مرادواتی با مشتریان‌شان دارند، مثلا بانکی آمده به شرط اینکه وثیقه لازم داشته باشد، کسی می‌تواند از یک بانک دیگر با وثیقه وام بگیرد و آن وام دیگر را تسویه کند. به برخی از اینها ایراد می‌گیرند. درحالی‌که یک کار تخصصی است. حرف من این است که سازمان‌های تخصصی ما که ناظر هستند، مثل سازمان امور مالیاتی، باید کاملا نظارت داشته باشند. وقتی صورت سود و زیان را می‌بینید، ممیز مالیاتی رسیدگی می‌کند، گزارش بازرس و گزارش حسابرسی را مطالعه می‌کند؛ اما به دلیل اینکه در این زمینه‌ها مسامحه شده با دقت نمی‌شود، برای مؤسسات مختلف چنین پرونده‌هایی تشکیل می‌شود که دادگاه رسیدگی کند.

۷۵ با خاستر لایه قدرت است؛ مثلا کاملا ردپای هر دو جریان سیاسی در پرونده پتروشیمی واضح است.

قضیه اصولکرا و اصلاح‌طلب را کنار بگذارید؛ اینها یک مارک است که به خودشان می‌زنند.

۷۴ اما این تخلفات را این‌طور به هم منتسب

می‌کنند.

این مارک‌ها، ماهیت افراد را تعیین نمی‌کند. قبلا اگر کسی ریش داشت، می‌گفتند مؤمن است؛ کارل مارکس هم ریش بلندی داشت.

۷۳ منظورم این است که از برخی وابستگی‌ها در

درون سیستم سوءاستفاده می‌کنند.

اینها به نظر بیشتر رابطه‌های شخصی است تا سیاسی. اینکه گفته می‌شود سینه من صندوقچه اسرار است؛ یعنی می‌دانم چه کسانی دزدی و سوءاستفاده کرده‌اند و دنبال‌شان نمی‌روم. قوه قضائیه نباید صندوقچه اسرار باشد، باید به گزارش‌ها رسیدگی کند. در فضای کشور ما یک‌سری انک به افراد زده می‌شود؛ مثلا می‌گویند این فرد سوءاستفاده‌گر است و کسی هم نمی‌گوید راست می‌گویند یا نه. آقای فلان

یادداشت

آزادی واردات خودرو

امین محمدنظامی

● واردات خودروهای لوکس آزاد می‌شود؛ به شرطی که واردکنندگان به ازای هر خودرو، ۱۰ خودروی فرسوده تحویل سازمان بازایافت بدهند. این روش زودتر از روش وام‌های کم‌بهره به دارندگان خودروهای فرسوده پاسخ می‌دهد. دلال‌ها در چند سال همه خودروهای فرسوده را جمع می‌کنند، سامانه تحویل خودروی فرسوده باید الکترونیک باشد تا جلوی سوءاستفاده‌ها را بگیرد. باید یک هسته از پایگاه داده‌های خودروهای فرسوده با فرایندی روشن در وزارت کشور تشکیل شود. به کارمندان سازمان بازایافت نظارت شود تا واردکنندگان به آنها رشوه ندهند و همان خودروها را دوباره پس نگیرند و خودروی لوکس وارد نکنند. دستیابی به آمار خودروهای فرسوده ساده است. اگر به شناسنامه خودروهای صادره راهور نگاه شود، مشخص می‌شود که اغلب افراد دلال‌مسکلاتند و ساده‌ترین راه پولداری را در آن می‌بینند. اگر دلال‌ها بپندارند که واردات خودرو سود دارد، وارد می‌کنند. می‌پرسند دارندگان خودروهای فرسوده پس از فروش با چه رفت‌وآمدی می‌کنند؟ پاسخ در سازوکار بازار است. دارندگان خودروهای فرسوده هنگام فروش می‌اندیشند که چه خودرویی می‌توانند جایگزین کنند و با پول آن چه خودرویی می‌توان خرید. ارزان‌ترین خودرو پراید است. سازوکار بازار قیمت پیکان را نزدیک پراید دست‌دوم بالا می‌برد تا دارندگان خودروهای فرسوده فروشنده باشند. احتمالا فروشندگان خودروهای فرسوده پول فروش را به شکل دیگری از دارایی تبدیل می‌کنند. تا از خدمات محل‌وتقل عمومی بهره ببرند. شاید واردکنندگان پیشنهاددهنده پراید به آنها باشند. در سال ۱۳۸۴ بیش از دو میلیون پیکان ساخته شد. اگر ۱۰ درصد آنها هنوز در خیابان‌ها در کار باشند (۲۰۰ هزار خودرو) و هر پیکان روزی صد کیلومتر راه برود و تنها پنج لیتر بیشتر از پراید بنزین بسوزاند، می‌شود یک میلیون لیتر و در سال ۳۶۵ میلیون لیتر. با بنزین لپتری ۳۰۰ سنت (شش هزار تومان) به دوهزارو ۱۹۰ میلیارد تومان یارانه پنهان می‌رسیم که از جب ایرانبان مفت از دست می‌رود. پس از پیکان نوبت دیگر خودروهای فرسوده و پرمصرف مانند موتورسیکلت‌های کارلراتوری، پژو ۴۰۵، آردی، رنو ی‌کی، ولانت‌های پیکان مزدا نیسان تیوتا و تراکورها است، به شرطی که عمرشان بیش از ۱۰ سال یا هشت لیتر بیشتر در صد کیلوستر بنزین بسوزانند و تنها در برابر واردات خودروها به وانت‌ها پیشرفته و امین و کم‌مصرف اجازه واردات داده شود. پس از خودروهای فرسوده و پرمصرف باریبری کویاها، مینی‌بوس‌ها و اتوبوس‌های فرسوده و پرمصرف به همان شیوه پیکان و خودروهای پرمصرف و فرسوده گردآوری شود. پس از خودروهای ال‌البنده که استانداردهای یورو سه را ندارند، خودروهایی کمتر از استانداردهای یورو چهار یا پنج گردآوری شود، به طور ویژه خودروی پراید. در این روش بازار خودروی داخل برای خودروسازان داخلی همچنان بزرگ می‌ماند و گلایه نکنند که واردات بد است؛ زیرا دارندگان خودروهای فرسوده با این رخ ارز فقط خودروی ساخت ارزان داخل می‌توانند بخرند و نه خودروی لوکس؛ باید خودروساز داخلی در پنج سال راهی ایران بیهود استانداردهای خودروسازی بیابد وگرنه مجازات و برکنار شود تا بداندت برای چه سر کارند؛ هنگامی که خودروهای پرمصرف رخت ببرستند، واردات خودرو و تولید خودروی با امنیت پایین متوقف شود. همین که ۳۳ میلیون خودرو در ایران می‌چرخند، اگر ۱۰ درصدشان فرسوده باشند و اگر میزان پیکان محاسبه کنیم، به عدد ۱۴ هزارو ۱۴۰ میلیارد تومان می‌رسیم. تحویل خودروی فرسوده باید به فراخور بهای خودروی وارداتی باشد؛ یعنی خودروی زیر ۲۰ هزار دلار تا ۱۰ خودروی فرسوده هر سال گذشته ۱۲۵ هزار خودرو وارد شد، اگر برای هر خودرو فقط ۱۰ خودروی فرسوده و کم‌امیت راه‌های می‌شد، یک‌میلیون و ۲۵۰ هزار خودرو از راه‌های ایران گردآوری می‌شد که اگر نیم‌دست قبل محاسبه کنیم، به مبلغ چهارهزارو ۵۶۲میلیاردو ۵۰۰ میلیون تومان می‌رسیم. یادآور می‌شود که واردات باید با سرمایه بخش خصوصی آنها انجام شود. چند سالی است که در برخی تارنامه‌ها و روزنامه‌ها و گفتار اسکندادانان منتقد شنیده می‌شود که یک نهاد از اقتصاد‌ها ریسمان خود را وارد می‌کند و به هیچ‌کس پاسخ‌گو نیست. روشن نیست چه اندازه این سخنان درست است؛ ولی اگر یک نهاد در این سیاست دست‌درازی کند، فقط به بی‌اعتمادی مردم به حکومت می‌انجامد و مردم در کوچه و بازار و تاکسی می‌گویند دولت از این راه یک کیسه برای خودش دوخته است چون بوده‌چ جاری کشور و رشد تقدبنیکی بیشتر می‌شود و فقر و گرانی بیشتر. به‌هرروی حکومت و همه نهادهای حکومتی به‌هیچ‌روی وارد کارهای اقتصادی نشوند و به بی‌اعتمادی مردم و حکومت دامن زنند تا تضاد تاریخی حکومت و مردم بیشتر نشود و خعه بیگانگان کارگر نبینند و دشمنان ایران ناکام بمانند.